

بررسی توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای و تهیه اطلس زبانی متغیرها در منطقه زهک

مهرداد بوشهری

کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات بروجرد، ایران

سارا افضل (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور بوشهر، ایران

چکیده

در پژوهش حاضر، گسترش جغرافیایی تعدادی از متغیرهای زبانی گویش سیستمی در شهرستان‌های زهک و هیرمند در استان سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به تفاوت‌های موجود در صورت‌های زبانی و نحوه توزیع متغیرها در مناطق مورد پژوهش، اطلس زبانی ترسیم شده است. به منظور جمع‌آوری صورت‌های زبانی منطقه، از پنجاه فرد گویشور مسن بالای ۵۰ سال سن، گفتار آزاد و مصاحبه صورت گرفت. پرسشنامه‌ای مطابق با متغیرهای ارائه شده در سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در قالب فهرست واژگان تدوین شد و در تمام بیست نقطه مورد پژوهش به اجرا درآمد. سپس براساس تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در توزیع صورت‌های زبانی مربوط در گویش منطقه زهک و هیرمند، نقشه‌ای جداگانه برای هر متغیر ترسیم شده است. در این راستا، از نرم افزار “GIS” برای ترسیم خط مرز همگویی و تعیین دقیق حوزه هر صورت زبانی استفاده شد. با بررسی شواهد زبان‌شناختی به این نتیجه می‌رسیم که فرآیندهای افراستگی واکه و افتادگی واکه در این گویش از جمله ویژگی‌های زبانی بارز منطقه است که بسامد بیشتری در مقایسه با دیگر فرآیندها دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تنوعات در متغیرهای واژگانی زیاد است به‌طوری‌که متغیرها واژگانی کاملاً متفاوت از گونه معیار استفاده می‌شوند. از لحاظ نحوی، شاهد تفاوت چشمگیری در متغیرهای نحوی در مقایسه با زبان فارسی معیار نبوده‌ایم.

کلید واژه‌ها: متغیر زبانی، اطلس زبانی، خط مرز همگویی، توزیع جغرافیایی، افراستگی واکه

مقدمه

بررسی و توصیف تفاوت‌های زبانی و نحوه توزیع آنها از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان و به‌ویژه گویش‌شناسان بوده است. گویش‌شناسان، صورت‌های واجی، نحوی یا واژگانی را برای بررسی انتخاب می‌کنند و سپس نقشه‌هایی تهیه می‌نمایند که نشان‌دهنده مناطقی هستند که صورت‌های زبانی معین در آنها یافت شده‌اند. در صورت امکان، منطقه پیدایش و چگونگی توزیع صورت‌ها در مناطق دیگر نیز تحلیل می‌شود. مجموعه نقشه‌هایی که از پژوهش در یک منطقه خاص حاصل می‌شود، یک اطلس گویشی را فراهم می‌آورد. بنابر اهمیت اطلس‌های زبانی جهت حفظ گویش‌ها، از جمله گویش منطقه زهک و هیرمند است.

با توجه به تمایل نسل جوان به استفاده بیشتر از گونه‌های نزدیک به گونه معیار، باعث به فراموشی سپرده شدن زبان‌های محلی و گاه نابودی بعضی از این زبان‌ها می‌شود. در این میان از عوامل تاثیرگذار بر نابودی زبان‌های محلی، انقلاب ارتباطات و رشد سریع وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه رسانه‌های تصویری و شنیداری را می‌توان نام برد. بدین ترتیب یکی از مزایای بسیار مهم بررسی گویش‌ها، ثبت آنها و کمک به حفظ آنهاست. با ثبت و ضبط واژه‌ها و انتقال آنها روی اطلس می‌توان مواد خام با ارزشی را برای سایر پژوهش‌های زبانی فراهم آورد. در ارتباط با گویش سیستمی پژوهش‌هایی در حوزه بررسی توزیع متغیرهای زبانی و تعیین مرزهای همگویی و تهیه اطلس زبانی احساس می‌شود. لذا پژوهشگر با توجه به وقوع تغییرات زبانی در مناطق مختلف جغرافیایی بررسی رفتار زبانی افراد را در شهرستان‌های زهک و هیرمند با اهداف و دلایل زیر ضروری می‌بیند:

- ثبت گویش‌ها کمکی به منظور مطالعه دقیق زبان فارسی است

- صورت‌های زبانی جمع‌آوری شده این منطقه به تهیه اطلس زبانی کشور کمک می‌کند.

- زبان فارسی دارای گونه‌ها و گویش‌های متفاوت زیادی است که برای شناخت آنها نیاز به انجام پژوهش است.

- استفاده از گویش‌ها به عنوان منبع بسیار غنی در تحقیقات زبانی، ادبیات، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخی استفاده می‌شود. هرگاه زبانی دست کم بوسیله دو نفر گفتگو شود، بی شک تفاوت‌هایی در کاربرد آن مشاهده خواهد شد. هرچه تعداد سخنگویان یک زبان بیشتر باشد این تفاوت‌ها بیشتر و چشمگیرتر خواهد بود. اگر این تفاوت‌ها و شباهت‌های زبانی را با کمک نقشه جغرافیایی یک منطقه نشان دهیم و سپس نقاطی را که از نظر استعمال زبانی یکسان هستند به یکدیگر وصل کنیم، خطی به‌دست می‌آید که مرز همگویی نامیده می‌شود. این اصطلاح، اولین بار توسط جی.جی.ای. بیلنشتاین در سال ۱۸۹۲ استفاده شد و به معنی زبان برابر است. شاید این بیانگر این حقیقت باشد که خط ترسیم شده در عرض یک منطقه، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در برخی از جنبه‌های کاربرد زبانی است. معیار مرزهای گویشی بر این فرض استوار است که هرگاه زبان الف و زبان ب دو زبان جداگانه باشند، باید بتوانیم خط مستقیمی بین آن دو بکشیم (چمبرز و ترادگیل، ۱۹۸۰: ص ۱۰۳).

در این تحقیق برای طبقه‌بندی گویش‌ها از روش خط مرز زبانی استفاده کردیم. اگرچه این روش سنتی است و دارای اشکالاتی است ولی به دلایل زیر، این روش مورد استفاده قرار گرفت: اول اینکه چون این اولین کاری است که در زمینه تهیه اطلس زبانی و خط مرزهای زبانی در شهرستان‌های زهک و هیرمند واقع در استان سیستان و بلوچستان صورت می‌گیرد و در تهیه اطلس زبانی و خط مرزهای زبانی، تهیه مواد اولیه یعنی داده‌ها گام اصلی در یک پژوهش گویشی به حساب می‌آید. بنابراین، تهیه داده‌ها و تهیه اطلس، به‌عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌های بعدی ضروری به‌نظر می‌رسد. این کار هم در درجه اول با هدف تهیه اطلس زبانی و فراهم کردن داده‌ها و مواد اولیه برای تحقیقات بعدی است. دوم اینکه روش‌های دیگری که بدان‌ها اشاره شد هرکدام به‌صورتی نیاز به آمار و محاسبه دارند و لازمه یک کار دقیق در این رابطه هم، استفاده از نرم افزارهای ویژه این کار است که به‌نظر می‌رسد در کشور ما دسترسی به چنین نرم‌افزاری ساده نیست و کارهای گویشی هم در قالب این روش‌ها انجام نشده که الگوی کار قرار بگیرد. از طرفی دیگر نیازمند صرف وقت و هزینه بسیار است که فراتر از محدوده کار دانشگاهی است. لذا از روش خطرمرز همگویی برای انجام پژوهش حاضر استفاده کرده‌ایم.

سیستان نام ناحیه‌ای تاریخی است که بخش‌هایی از کشورهای ایران و افغانستان و پاکستان امروز را در برمی‌گیرد. این ناحیه را در منابع یونان باستان آراخوزیا می‌نامیدند. پس از ورود سکاها به سکستان معروف شد. سگستان، سجستان و سیستان صورت‌های دیگر همین نام است. در شاهنامه فردوسی نام آن به صورت زابلستان هم آمده است. مرکز فعلی سیستان، زابل خوانده می‌شود. اگرچه در گذشته تحت عناوین نصرت‌آباد، نصیرآباد و سیستان نیز خوانده می‌شده است. شهر فعلی سیستان در اواخر دهه ۱۸۶۰ میلادی و توسط امیر علم خان سوم خزینه بنا شد (محمدی خرمک: صص ۶۵-۹۰).

سیستان را می‌شود به سه قسمت تقسیم کرد:

- سیستان کهن و باستان: شامل مرکز تمام مناطق شرق فلات ایران، نیمه جنوبی و شرقی افغانستان کنونی، مناطق شمال پاکستان، کشمیر و همچنین طبق متون تاریخی، در دوران باستان، منطقه تبت در ادوار طولانی متعلق به فتوحات امیران و حکام بوده است.
- سیستان اصلی و محدود: شامل نیمه جنوبی افغانستان، منطقه چمن و ارتفاعات آن در پاکستان، مثلث شمال غرب بلوچستان پاکستان و سیستان ایران = زهک، هیرمند، جزینک، نهبدان، شوسف، زابل، نصرت‌آباد، شوره گز، بنجار، محمدآباد و....
- سیستان رسمی: که بعد از عهدنامه پاریس به دو بخش سیستان ایران و سیستان افغانستان تقسیم شده است، که ولایات هلمند، نیمروز و جنوب ولایت فراه جزء سیستان افغانستان و شهرستان‌های زابل، نهبدان و توابعشان و شرق کویر کرمان جزء سیستان ایران محسوب می‌شود.

گویش رایج در شهرستان‌های زهک و هیرمند گونه‌های لهجه‌ای از گونه‌ها و لهجه‌های متفاوت گویش سیستانی است. این گویش یکی از گویش‌های مهم زبان فارسی است که در مناطق متفاوت گونه‌ها و لهجه‌های متفاوت این گویش رایج است. برای این گویش لهجه‌های متفاوتی قایل شده‌اند که در هر منطقه جغرافیایی با توجه به قومیت‌های ساکن در آن منطقه لهجه خاصی متمایزتر از دیگر لهجه‌ها است. گویش منطقه هم اکنون به صورت عمده در منطقه سیستان ایران، نیمروز و فراه افغانستان، سرخس ایران، ترکمنستان و دشت گرگان جاری است. این گویش از یک سو بیشترین خویشاوندی واژگانی و دستوری را با گویش موجود و گذشته خراسانی و فراتر از آن با لهجه‌های مرده ماوراءالنهری و تاجیکی کنونی دارد و از سوی دیگر واژه‌های مشترک بسیاری با بلوچی دارد که با توجه به پیوندهای تاریخی و پیوستگی‌های جغرافیایی و مهاجرت‌های قومی و خویشاوندی طایفه‌ای، امری طبیعی است.

فرهنگ‌نویسان، این گویش را یکی از چهار زبان متروک پارسی یاد کرده‌اند. ابوریحان بیرونی در الصیدنه، چند لغت از زبان قدیم سیستانی آورده است. بسیاری از واژگان آن از هزاران سال پیش تاکنون تفاوت چندانی نکرده است. اگرچه اصل زبان که احیاناً همان سکزی است، پیش از این منقرض شده و تنها گویش آن باقی‌مانده است. این گویش یکی از گویش‌های وابسته به زبان‌های ایرانی غربی و از شاخه جنوبی آن است که به گروه زبان‌های هند و ایرانی تعلق دارند.

گویش سیستانی هیچ‌گاه یک زبان نوشتاری نبوده است، پس اثر مکتوبی که مستقلاً متعلق به این گویش باشد وجود ندارد. چهار گونه فرعی می‌توان برای گویش سیستانی متصور شد که شامل گونه‌های زرگری، ادبی (ملایی)، سیدی و عربی است.

در گونه زرگری، ساخت هجایی یک اصل زیربنایی بوده و گویش به هجاهای سازنده تقسیم می‌شود و پس از هر هجای اصلی، یک هجای تبعی با ساخت «ز+مصوت» ظاهر می‌شود. به عنوان مثال واژه پو «به معنای پا» به صورت پوزو تلفظ می‌شود.

گونه ادبی مورد کاربرد در مواردی از قبیل تقلید ادا، مداحی، متن خوانی، شبیه‌خوانی (تعزیه) و سخن گفتن از سر تامل است. این گونه از چند زاویه با گونه معیار گویش سیستان در تفاوت است. شامل: ساختمان تک واژ و جهی «می»، ساختمان تک واژ و جهی «ب»، جز پیشین، ساختمان تک واژ منفی و نهی و تکیه فعل‌هایی که تک واژ «می» دارند.

در گونه سیدی، واج «س» به جای واج نخست قرار گرفته و در پایان عبارت «واج نخست حذف شده + ادی» افزوده می‌شود.

مثلاً کتاب به ستابکدی تبدیل می‌شود.

گونه عربی تنها در میان طایفه شیخ (از طوائف سیستانی) دیده می‌شود و غالباً برای ایجاد ارتباط میان اعضای خانواده در حضور مهمان بیگانه به کار برده می‌شود و حالت خصوصی دارد. این گونه از لغات عربی بیشتر بهره می‌جوید (www.sbportal.ir/).

شهرستان زهک در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی این شهرستان در نقشه ۳۰.۸۹۴۴ درجه شمالی و ۶۱.۷۰۶۷ درجه شرقی می‌باشد. شهرستان زهک با مساحت ۹۴۵ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و جزینک و ۴ دهستان زهک، خواجه احمد، جزینک و خمک و همچنین ۲۰۳ آبادی است. فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۲۱۳ کیلومتر، فاصله شهرستان تا تهران ۱۵۱۸ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۴۸۳ متر است. شهرستان زهک با مساحت ۹۴۵ کیلومتر مربع است که تقریباً ۰.۳ درصد مساحت استان و ۱۴ درصد مساحت سیستان را تشکیل می‌دهد. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۷۵۴۱۹ نفر بوده است (همان منبع).

شهرستان هیرمند به مرکزیت دوست‌محمد در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و قرقری، ۴ دهستان و ۳۱۵ آبادی و روستا است. شهرستان هیرمند با مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع از غرب به شهرستان زابل، از شرق به کشور افغانستان، از شمال به دریاچه هامون و افغانستان و از جنوب به شهرستان زهک منتهی می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۶۵۴۷۱ نفر جمعیت است (همان منبع).

پیشینه پژوهش

این بخش به پیشینه پژوهش حاضر اختصاص دارد و نمونه‌هایی از کارهای مرتبط با این پژوهش معرفی می‌گردد. تاکنون پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر که به بررسی توزیع متغیرهای زبانی، تعیین مرزهای همگویی و تهیه اطلس زبانی در شهرستان‌های زهک و هیرمند پرداخته است، صورت نگرفته است. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر از جنبه‌هایی مشابه با پژوهش انجام شده در بخش‌های میانکنگی و نارویی است. با توجه به گستردگی و گوناگونی تنوعات زبانی و وجود لهجه‌ها و گونه‌های زبانی متمایز در گویش سیستانی نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتری در تمامی شهرستان‌های این منطقه احساس می‌شود. همان‌طور که در فصل اول اشاره شد سیستان منطقه‌ای گسترده از استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، بخشی از افغانستان و پاکستان، دشت گرگان و ترکمنستان را در برمی‌گیرد. با توجه به گستردگی جغرافیایی و گستردگی تنوعات زبانی این گویش، بررسی و تحقیق در هر قسمت از سیستان امری ضروری است. در این راستا، پژوهشگر حاضر شهرستان‌های زهک و هیرمند را برای بررسی گونه و لهجه خاص این منطقه انتخاب کرده است که پژوهشی بدیع است. اکثر پژوهش‌های انجام شده پیرامون این گویش به بررسی و توصیف واجی و ساخت‌واژی و یا گردآوری واژه‌ها و اصطلاحات این گویش پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، دوستی (۱۳۸۰) به توصیف زبان‌شناختی گویش سیستانی در بخش پشت آب با عنوان «بررسی توصیفی ساخت‌واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستان ادیمی» پرداخته است. برجسته دلفروز (۱۳۷۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را در شهر زابل توصیف کرده است. خسروی (۱۳۸۶) به بررسی ارتباط بین برخی تنوعات زبانی و اجتماعی در گویش سیستانی بر پایه پژوهش‌های لباو (۱۹۶۱) پرداخته است. محمدی خمک (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از واژگان بازمانده از زبان سگری در گویش سیستانی را گردآوری کرده است. وی همچنین در ابتدای این مجموعه به بعضی از ویژگی‌های واجی و ساخت‌واژی این گویش اشاره دارد. کدخدا (۱۳۸۸) به بررسی توزیع صد و هشتاد چهار متغیر زبان فارسی در بستر جغرافیایی و تعیین مرزهای همگویی در گونه‌ای از گویش سیستانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی پرداخته است و با توجه به تفاوت‌های موجود در گویش سیستانی در این دو بخش اطلس زبانی این متغیرهای زبانی را ترسیم کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در شهرستان‌های زهک و هیرمند در منطقه سیستان صورت گرفته است. به منظور تعیین متغیرهای زبانی پژوهشگر گرچه گویشور این گویش است، به جهت اصالت در بررسی داده‌ها تنها به شم زبانی خود بسنده نکرده است و از ضبط گفتار آزاد و مصاحبه از افراد دیگر گویشور این گویش استفاده کرده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل دوازده روستا از شهرستان هیرمند و هشت روستا از شهرستان زهک است که در مجموع بیست روستا مورد بررسی قرار گرفته اند. صورت‌های زبانی از ۵۰ نفر افراد مسن بالای پنجاه سال مرد و زن بی‌سواد و یا کم‌سواد جمع‌آوری شده‌اند. روستاهای مورد پژوهش به روش انتخابی و با در نظرگیری جهت‌های جغرافیایی، اما آزمودنی‌ها به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. همچنین در جمع‌آوری داده‌های زبانی لازم، از یادداشت برداری ضمن مشاهده استفاده شده است. سپس پیکره زبانی جمع‌آوری شده از گفتار گویشوران پس از چندبار گوش دادن و اج‌نویسی شده‌اند. از گویشوران بی‌سواد و کم‌سواد، سوال‌های موجود در پرسشنامه پرسیده شده‌اند. سپس توزیع هریک از متغیرهای استخراج شده از پرسشنامه بر روی نقشه‌ای مستقل نشان داده شده است. ترسیم نقشه‌ها و خط مرزهای زبانی با استفاده از نرم‌افزار «جی‌آی‌اس» که از دقت بالایی برخوردار است، صورت گرفت. این نرم‌افزار در رشته جغرافیا، کشاورزی و شهرسازی برای ترسیم نقشه‌ها به کار می‌رود. در این پژوهش تفاوت‌های گویشی در منطقه با استفاده از روش خط مرز همگویی صورت گرفت. با وجودی که این روش، یک روش سنتی در توصیف‌های گویشی است، این روش مورد استفاده قرار گرفت. زیرا اولین کاری است که در زمینه تهیه اطلس زبانی و تعیین خط مرزهای زبانی در شهرستان‌های زهک و هیرمند انجام شد که این خود گامی در جهت پژوهش‌های بعدی است. از طرفی روش‌های دیگر نیاز به آمار و محاسبه و همچنین نرم‌افزارهای ویژه دارند که کار و دسترسی به آن‌ها مشکل است. بدین منظور از این روش برای تعیین مرزهای همگویی استفاده کرده‌ایم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت که بخش اصلی پژوهش محسوب می‌شود، به تجزیه و تحلیل هریک از متغیرها به طور مجزا می‌پردازیم. در ابتدا متغیرها را در چهار گروه متغیرهای آوایی، ساخت‌واژی، واژگانی و نحوی جای داده‌ایم. سپس فرایندها و تغییرات مربوط به هر متغیر جداگانه تشریح کرده‌ایم. برای متغیرهای واکه‌ای نمودار درصد فراوانی ترسیم شده است که به دلیل زمان‌بر بودن رسم نمودارها و همچنین حجیم شدن کار از ارائه نمودار درصد فراوانی برای دیگر متغیرهای ساخت‌واژی، واژگانی و نحوی خودداری شده است و فقط به ارائه نمودارهای آوایی بسنده کرده‌ایم.

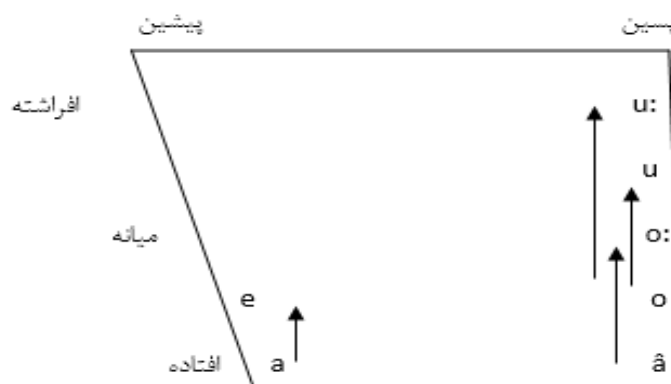
در تعریف ویژگی واکه‌ها بایستی از عدم وجود هیچ مانع و بستی در مسیر جریان هوا به هنگام تولید آن‌ها اشاره کرد و واکه‌ها برخلاف همخوان‌ها دارای ویژگی رسایی هستند. ویژگی رسایی واکه‌ها موجب می‌شود که آن‌ها هسته یا قله هجا را تشکیل دهند، در حالی که همخوان‌ها دامنه یا کناره هجا را پدید می‌آورند (مشکوه الدینی، ۱۳۷۷: ص ۲۱).

در این پژوهش، متغیرهای واکه‌ای مشاهده شده در قالب تبدیل یک واکه به واکه دیگر و یا حفظ واکه به لحاظ بررسی در زمانی آن با دوره میانه است. متغیرهای واکه‌ای از لحاظ کیفیت گفتار به دو دسته واکه ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. آن‌ها همچنین بر طبق جهت تغییرشان به فرایندهای افراشتگی، افتادگی، پسین‌شدگی، حفظ واکه‌ای، ساده‌سازی واکه، مرکب‌شدگی واکه و ... قابل تقسیم هستند.

افراشتگی واکه‌ای

یکی از مشخصه‌های مصوت‌ها «واکه‌ها»، میزان افراشتگی زبان و یا قرار گرفتن آن در کف دهان است. بر این پایه، بیشترین میزان افراشتگی زبان، مشخصه افراشتگی واکه‌ای را نشان می‌دهد. به هنگام تولید واکه‌های افراشته لب‌ها نزدیک به هم قرار می‌گیرند و به همین جهت برخی از زبان‌شناسان این گونه واکه را واکه بسته می‌نامند. دو واکه /i/ و /u/ در فارسی افراشته محسوب می‌شوند (مشکوه الدینی، ۱۳۷۷: ص ۲۱).

در شکل زیر فرآیند افراشتگی واکه‌ها نمایش داده شده است.



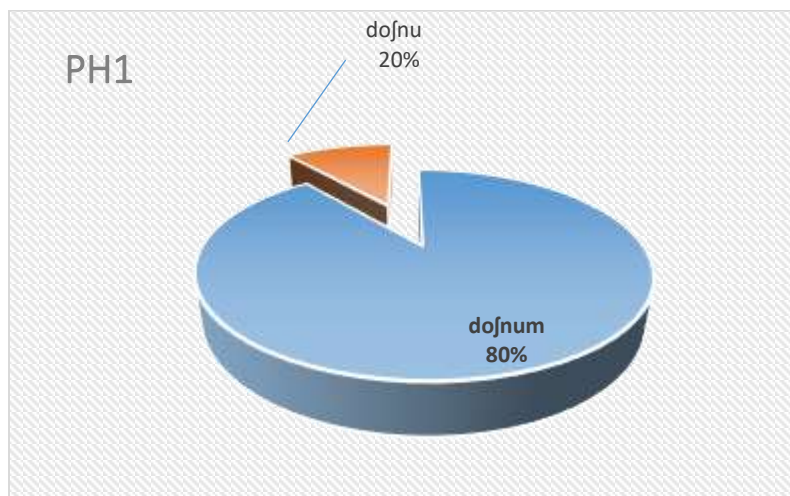
شکل (۱) متغیرهای واکه‌ای افراشته شده

تبدیل /a/ به /u/

افراشتگی واکه /a/ فارسی معیار و تبدیل آن به واکه /u/ در گویش زهک و هیرمند

dojnam: PH1

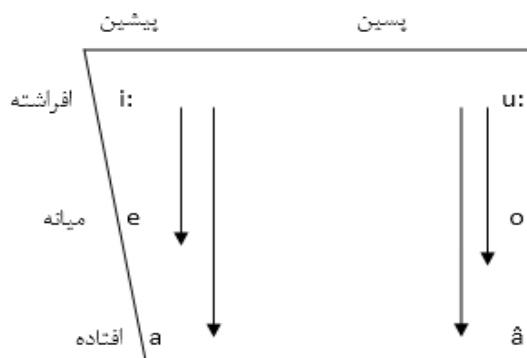
واکه /a/ در فارسی جدید قبل از اصوات لبی /m/ و دندانی /n/ که هر دو خیشومی هستند، گاهی بدل به /u/ می‌شود (باقری، ۱۳۸۱: ص ۳۰). متغیر PH1 نشان می‌دهد که واکه /a/ در واژه /dojnam/ در اکثر مناطق پژوهش افراشته می‌شود و به صورت /dojnum/ تلفظ می‌گردد. فقط در چهار روستا از روستاهای شهرستان هیرمند در کنار فرآیند ذکر شده حذف همخوان خیشومی پایانی /m/ هم صورت می‌گیرد و واژه به صورت /dojnu/ به کار می‌رود.



نمودار (۱) درصد فراوانی افزایشگی واکه /a/

افتادگی واکه‌ای

بر عکس واکه‌های افراشته، در واکه‌های افتاده میزان افزایشگی زبان در حد صفر است. در هنگام فراگویی واکه‌های افتاده لب‌ها کاملاً از هم دور میمانند، از همین‌رو به آن‌ها واکه‌های باز می‌گویند. در زبان فارسی واکه‌های /a/ و /a/ به‌عنوان واکه‌های افتاده شناخته می‌شوند (ثمره، ۱۳۸۰: ص ۲۲).
 در شکل زیر کلیه متغیرهای زبانی که در آن‌ها افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است، مشخص گردیده است.



شکل (۲) متغیرهای واکه‌ای افتاده شده

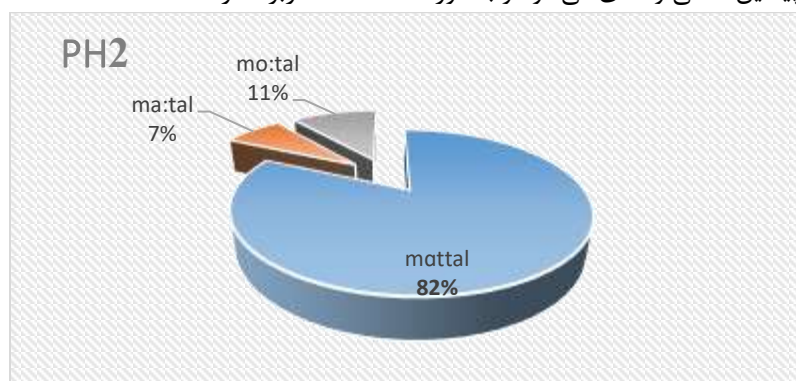
مانند فرآیند افزایشگی، جایگزینی یک واکه با واکه دیگری که نسبت به آن افتاده‌تر است، فرآیند افتادگی شناخته می‌شود. نمونه‌هایی از فرآیند افتادگی واکه در گویش زهک و هیرمند به صورت زیر است:

تبدیل /o/ به /a/

PH2: mo?attal

افتادگی واکه /o/ معیار و تبدیل آن به واکه /a/ در گویش زهک و هیرمند

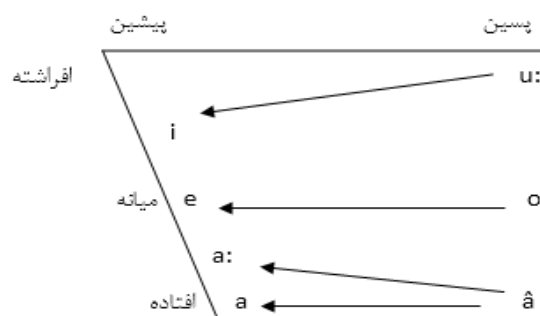
این متغیر نشان می‌دهد که علاوه بر حذف همخوان /h/، حذف همخوان چاکنایی /ʔ/ نیز در همه مناطق روی داده است و در اکثر مناطق واکه /o/ به واکه /a/ تبدیل شده است و کلمه به صورت mattal تلفظ می‌شود. در چندین روستا از شهرستان هیرمند کلمه با فرآیند کشش واکه‌ای کاربرد دارد و به صورت mo:tal تلفظ می‌شود. در چند منطقه از شهرستان زهک کلمه چهار فرآیند افتادگی - پیشین‌شدگی واکه‌ای می‌شود و به صورت ma:tal کاربرد دارد.



نمودار (۲) در صد فراوانی افتادگی واکه /o/

پیشین‌شدگی واکه‌ای

به واکه‌هایی که هنگام تلفظ آن‌ها، حجم زبان به طرف دندان‌های پیشین رانده می‌شود و زبان به درجات بلند و میانی افراشته می‌گردد و یا کف دهان در پشت دندان‌های پیشین پایین قرار می‌گیرد، واکه‌های پیشین گفته می‌شود، مانند واکه‌های /e/، /i/ و /a/ در برخی گویش‌ها ممکن است که واکه‌های پسین فارسی معیار تبدیل به واکه‌های متناظر پیشین خود شوند که به این فرآیند «پیشین‌شدگی» واکه‌ای گفته می‌شود (حق شناس، ۱۳۸۰: ص ۲). در شکل زیر کلیه متغیرهای زبانی که در آنها پیشین‌شدگی واکه‌ای صورت گرفته است، مشخص گردیده است.



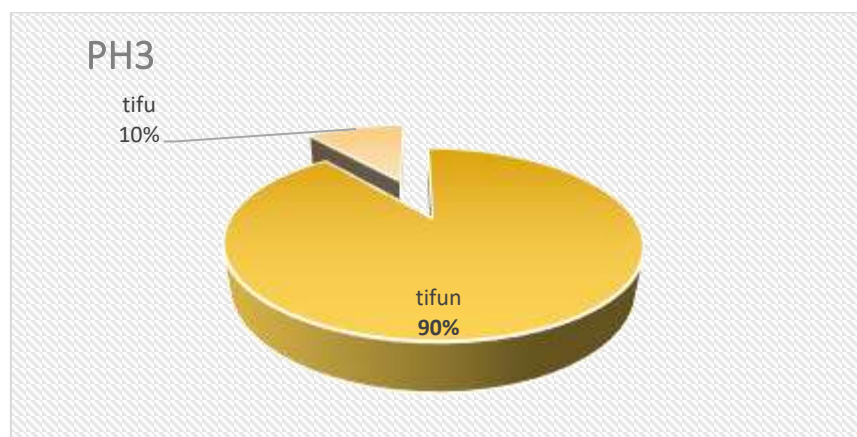
شکل (۳) متغیرهای واکه‌ای پیشین‌شده

فرآیند پیشین‌شدگی در گویش منطقه پژوهش به صورت‌های زیر قابل مشاهده است.
تبدیل /u/ به /i/

PH3: tufan

پیشین‌شدگی واکه /u/ فارسی معیار و تبدیل آن به /i/ در گویش زهک و هیرمند

متغیر PH3 نشان می‌دهد که واکه /u/ فارسی معیار در مناطق پژوهش تحت تاثیر فرآیند پیشین‌شدگی واکه به واکه /i/ تبدیل می‌شود. متغیر PH3 در مناطق پژوهش به صورت tifun به کار می‌رود. همچنین در دو روستا از روستاهای شهرستان هیرمند این واژه با حذف همخوان خیشومی /n/ پایانی همراه است.

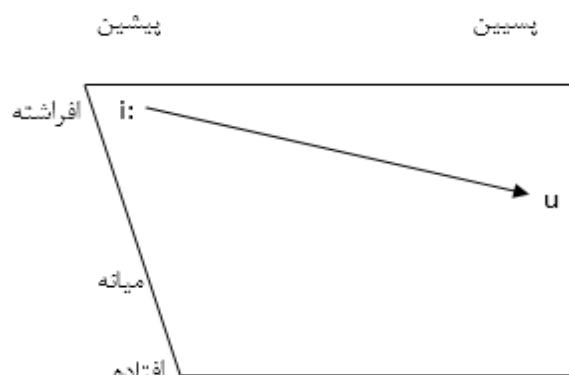


نمودار (۳) درصد فراوانی پیشین‌شدگی واکه /u/

پسین‌شدگی واکه‌ای

برخلاف واکه‌های پیشین، واکه‌هایی که به هنگام فراگویی‌شان حجم زبان به طرف عقب دهان کشیده می‌شود و در همان حال زبان به درجات متفاوت افراشته می‌شود و یا در کف دهان قرار می‌گیرد واکه‌های پسین گفته می‌شود. مانند واکه‌های /u/، /o/ و /ɑ/ برخلاف فرآیند پیشین‌شدگی در فرآیند پسین‌شدگی، واکه‌های پسین جایگزین واکه‌های متناظر پیشین خود می‌شوند (مشکوه الدینی، ۱۳۸۴: ص ۲۱).

در شکل زیر متغیر زبانی که در آن پسین‌شدگی واکه‌ای صورت گرفته، مشخص گردیده است.



شکل ۴- متغیر واکه‌ای پسین شده

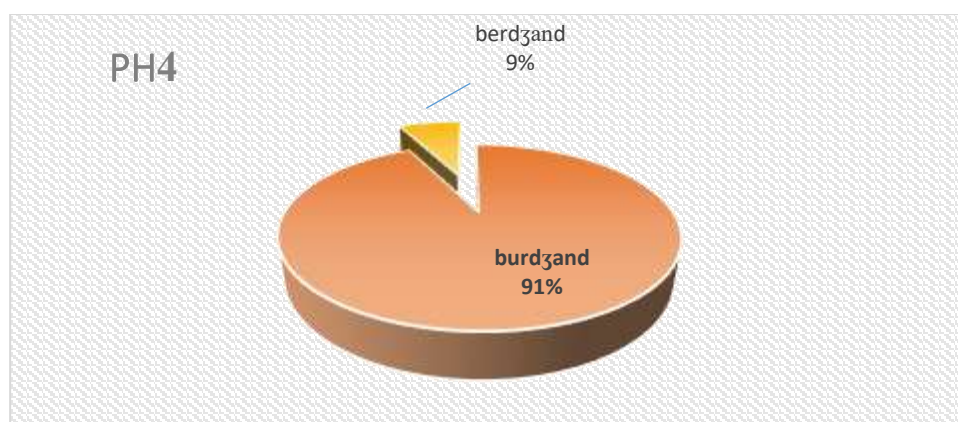
فرآیند پسین شدگی واکه در گویش زهک و هیرمند مطابق با حالت زیر صورت مشاهده شده است:

۱. تبدیل واکه /i:/ به واکه /u/

پسین شدگی واکه /i:/ فارسی معیار و تبدیل آن به /u/ در گویش زهک و هیرمند

PH4 : bi:rdʒand

متغیر ph12 طبق فرآیند پسین شدگی واکه، واکه /i:/ در این کلمه پسین شده و در اکثر نقاط پژوهش به /u/ تبدیل می گردد و کلمه به صورت burdʒand تلفظ می شود. لازم به ذکر است که در محدود نقاطی این کلمه به صورت berdʒand هم کاربرد دارد که در صد فراوانی آن در نمودار زیر به نمایش گذاشته شده است.

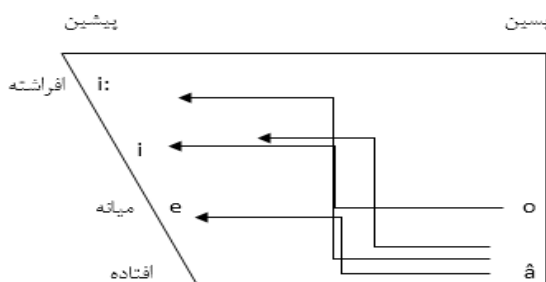


نمودار ۴ درصد فراوانی پسین شدگی واکه /i:/

افراشتگی - پیشین شدگی واکه‌ای

فرآیند افراشتگی - پیشین شدگی واکه‌ای زمانی رخ می دهد که یک واکه جایگزین واکه‌ای شود که به طور هم زمان افراشته تر و هم در جایگاه پیشین آن قرار داشته باشد.

در شکل زیر فرآیند افراشتگی - پیشین شدگی واکه‌ای نشان داده شده است.



ای افراشته - پیشین شدگی

شکل ۵- متغیرهای واکه-

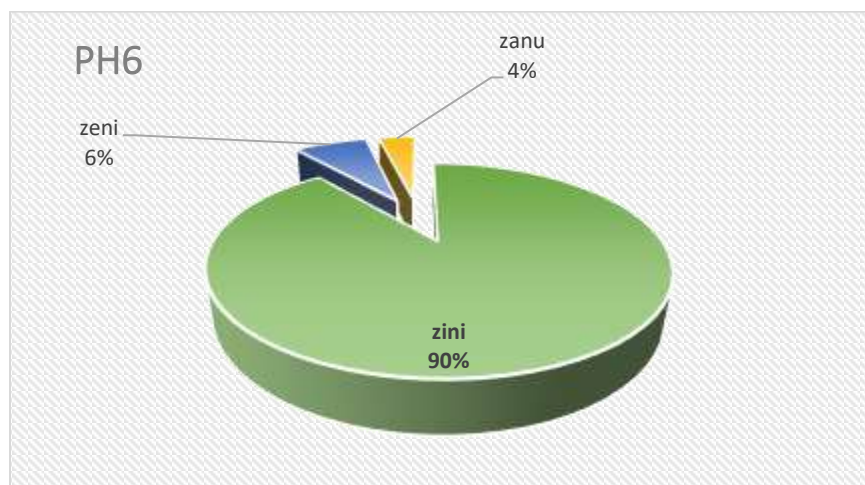
در گویش منطقه پژوهش این فرآیند طبق حالت زیر اتفاق می افتد.

تبدیل /a/ به /i:/

PH6: zanu

تبدیل واکه /a/ فارسی معیار و تبدیل آن به واکه /i:/ در گویش زهک و هیرمند

متغیر PH6 نشان می دهد که در این متغیر واکه /a/ در هجای اول کلمه در گویش زهک و هیرمند به واکه /i:/ تبدیل می شود. همچنین واکه /u/ در هجای دوم هم تغییر می کند. این متغیر در اکثر نقاط پژوهش به صورت zi:ni کاربرد دارد. در تعداد معدودی از روستاهای شهرستان هیرمند صورت zeni هم کاربرد دارد. در دو روستا از شهرستان زهک هم همان صورت فارسی معیار کلمه استفاده می شود.



نمودار ۶ درصد فراوانی افراشتگی پیشین شدگی واکه /a/

افراشتگی-پسین شدگی واکه

در این فرآیند، یک واکه جایگزین واکه دیگری می شود که به طور همزمان هم افراشته می شود و هم در جایگاه پسین قرار دارد (مشکوه الدینی، ۱۳۷۷: ص ۲۶).

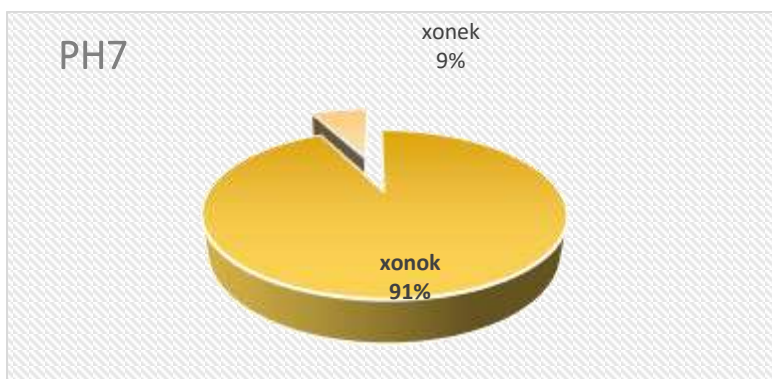
در گویش زهک و هیرمند، این فرآیند در حالت زیر اتفاق می افتد:

تبدیل /a/ به /o/

PH7: patu

تبدیل واکه /a/ فارسی معیار و تبدیل آن به واکه /o/ در گویش زهک و هیرمند:

در متغیر ph7 واکه /a/ فارسی معیار فرآیند افراشتگی-پسین شدگی رخ می دهد و واکه به /o/ تبدیل می شود و کلمه به صورت xonok تلفظ می گردد. همچنین در تعداد معدودی از روستاهای شهرستان هیرمند صورت xonek هم استفاده دارد.



نمودار (۷) درصد فراوانی افراشتگی-پسین شدگی واکه /a/

مرکب شدگی واکه

فرآیند مرکب شدگی واکه ای هنگامی روی می دهد که در برخی موارد به منظور تسهیل در گفتار یک واکه ساده به واکه ای مرکب تبدیل می شود (مشکوه الدینی، ۱۳۷۷: ص ۳۵).

فرآیند مرکب شدگی واکه ای در گویش زهک و هیرمند مطابق با حالت های زیر روی می دهد:

تبدیل /a/ به /eu/ و /ou/

PH8: ?ab

فرآیند مرکب شدگی واکه ساده /a/ فارسی معیار و تبدیل آن به واکه مرکب /eu/ و /ou/ :

در گویش زهک و هیرمند، می‌توان شاهد موارد متعددی بود که در آن‌ها واکه ساده با حذف همخوان بعدی خود تبدیل به واکه مرکب می‌شود. در متغیر PH8 واکه ساده /a/ فارسی معیار در تعدادی از مناطق پژوهش با حذف همخوان پایانی /b/ به واکه مرکب تبدیل می‌شود. در تعدادی از مناطق این واژه به صورت /eu/ و در مناطق دیگر هم صورت /ou/ کاربرد دارد که درصد فراوانی کاربرد این صورت‌های زبانی در نمودار زیر ارائه شده است.

ساده‌شدگی واکه مرکب

در گویش زهک و هیرمند می‌توان شاهد موارد متعدد زیادی بود که در آن‌ها یک واکه مرکب به منظور تسهیل در تلفظ تبدیل به واکه‌ای ساده می‌شود.

(۱) ساده‌شدگی واکه مرکب /ou/ و تبدیل آن به واکه ساده /u/ در گویش زهک و هیرمند

PH9: jouhar

متغیر ph9 نشان می‌دهد که واکه مرکب /ou/ در تمامی مناطق پژوهش تبدیل به واکه ساده /u/ می‌شود. در کلمه *jouhar* حذف همخوان چاکنایی /h/ و کشیدگی واکه ساده هم روی می‌دهد و کلمه به صورت *sou:* تلفظ می‌شود.

حفظ واکه‌های دوره فارسی میانه

واکه‌های زبان فارسی در مسیر انتقال از دوران میانه به دوران جدید تغییر چندانی از لحاظ کیفی و کمی نداشته‌اند. گاهی اتفاق می‌افتد که در گویش و لهجه جغرافیایی خاص تغییرات واکه‌ای میانه به فارسی معیار جدید اعمال نمی‌شوند و همان واکه‌های دوره میانه گویشوران خاص آن منطقه جغرافیایی کاربرد پیدا می‌کند (مشکوه الدینی، ۱۳۷۷: ص ۲۳). نمونه‌ای از این فرآیندها در گویش زهک و هیرمند مشاهده شده است که به شکل زیر است:

- حفظ واکه /a/ فارسی میانه در گویش منطقه به جای واکه /e/ فارسی معیار
- حفظ واکه /e/ فارسی میانه در گویش منطقه به جای واکه /a/ فارسی معیار
- حفظ واکه /i/ فارسی میانه در گویش منطقه به جای واکه /e/ فارسی معیار

PH11: hed3dah PH10: hefdah

متغیرهای ph10, ph11 نشان می‌دهند که واکه /a/ فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۳) در بیشتر مناطق مورد پژوهش همچنان حفظ شده‌اند. صورت رایج این متغیر در منطقه پژوهش /havda/ است. در چندین نقطه از مناطق پژوهش صورت زبانی /hivda/ هم برای این متغیر کاربرد دارد. صورت زبانی متغیر ph24 در بخش‌های مورد پژوهش هم /had3da/ است. همچنین صورت زبانی /hid3da/ هم در چندین روستا از شهرستان هیرمند مشاهده شده است.

PH12: na

بررسی گفتار آزاد و پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که واکه /e/ فارسی میانه در منطقه پژوهش حفظ شده است و می‌توان در صورت زبانی رایج این منطقه که /ne/ است، مشاهده کرد.

PH13: hezar

این متغیر نشان می‌دهد که واکه /a/ فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ص ۳۲۲) در فارسی معیار تبدیل به واکه معیار /e/ شده است. صورت زبانی رایج این متغیر مانند فارسی میانه /hazar/ است که در چند منطقه کشیدگی واکه هم انجام شده و به صورت /ha:zar/ کاربرد دارد.

PH14: gorixt

بررسی شواهد زبانی منطقه نشان می‌دهد که واکه میانه /e/، در تمامی مناطق پژوهش حفظ شده است. همچنین حذف همخوان /t/ پایانی نیز انجام گرفته و واژه به صورت /gorex/ به کار می‌رود.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی تحلیل‌های زبانی و نمایش تصویری آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که برای هر متغیر صورت‌های زبانی متفاوتی در مناطق متفاوت پژوهش موجود است. تفاوت صورت‌های زبانی در متغیرهای واجی بیشتر از سایر متغیرها قابل مشاهده است و تنوع بیشتری در صورت‌های زبانی این نوع متغیرها دیده می‌شود. متغیرهای واجی مورد بررسی در این پژوهش به متغیرهای واکه‌ای، همخوانی و متغیرهای مربوط به ساخت هجا تقسیم شده‌اند. برخی از فرآیندهای واجی از ویژگی‌های بارز گویش زهک و هیرمند محسوب می‌شود، که از آن جمله می‌توان به فرآیندهای افراشتگی واکه و افتادگی واکه اشاره کرد. این دو فرآیند در منطقه پژوهش دارای بسامد بالاتری در مقایسه با دیگر فرآیندها است. فرآیند افراشتگی و افتادگی واکه را می‌توان در متغیرهای /risman/, /daft/, /dofnam/, /baron/, /zandjir/, /bute/ مشاهده کرد.

دیگر فرآیندهایی مانند ساده‌شدگی واکه‌های مرکب /ou/ و /ey/ و تبدیل آن‌ها به واکه ساده /e/ و /o/ نیز در این گویش مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی متغیرهای همخوانی به ذکر فرآیندهای حذف و واکدار شدگی اکتفا شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تغییرات متغیرهای همخوانی محدودتر از متغیرهای واکه‌ای است. حذف همخوان‌های انسدادی /k/, /t/, /b/ در متغیرهای /xub/, /gereft/, /xofksali/ و فرآیند واکدارشدگی /h/, /s/ در متغیرهای /mahi/, /tasbih/ بررسی شده‌اند.

بررسی متغیرهای ساخت هجا نشان می‌دهد که این فرآیند نسبت به فرآیندهای تغییرات واکه و همخوان گسترده‌تری دارد. در این متغیرها شاهد تنوعات و تفاوت‌هایی هرچند محدود بوده‌ایم و در قالب فرآیندهای حذف هجا و درج هجا بررسی‌ها شکل گرفته‌اند.

در زمینه متغیرهای واژگانی، نتایج حاکی از آن است که تنوعات زیادی در این گونه متغیرها دیده می‌شود. گویشوران گویش شهرستان زهک و هیرمند استفاده از واژگانی دارند که ریشه در واژگان فارسی میانه دارد. به عنوان مثال واژه /mormulak/ که صورت زبانی منطقه پژوهش /kalpak/ است ریشه در صورت فارسی میانه آن /klpwk/, /karbug/ دارد.

در بررسی متغیرهای نحوی به توصیف و معرفی صورت‌های زبانی رایج حروف اضافه، حروف نشانه، ضمایر فاعلی، ضمایر مفعولی و.... پرداختیم. در بخش متغیرهای نحوی شاهد تنوعات زیادی نبوده‌ایم. به‌طوری‌که در اکثر نقاط پژوهش برای هر متغیر، یک صورت زبانی رایج است.

بررسی‌های انجام شده و مقایسه گونه‌های زبانی منطقه پژوهش با آثار به‌جا مانده از دوره فارسی میانه نشان می‌دهد که در گویش منطقه آثاری از فارسی میانه به‌چشم می‌خورد. بسیاری از این شباهت و ریشه‌دار بودن واژگان گویش زهک و هیرمند با فارسی میانه اکنون در فارسی معیار دیده نمی‌شود. این شباهت‌ها و ریشه‌دار بودن در تمامی چهار نوع متغیر واجی، ساخت‌واژی، واژگانی و نحوی مشاهده شده است.

با بررسی‌های انجام شده، مشاهده و تحلیل داده‌های زبانی جمع‌آوری شده از منطقه پژوهش، شاهد تنوعات زبانی بوده‌ایم اما این تنوعات در صورت‌های زبانی منطقه پژوهش فراگیر نیستند. گویش زهک و هیرمند، گویشی یکپارچه و منسجم است که صورت‌های زبانی در نقاط مختلف پژوهش تفاوت چشم‌گیری ندارند. تنوعات صورت‌های زبانی در بخش‌های مختلف پژوهش بر روی اطلس‌های زبانی قابل مشاهده است.

در انتخاب نقاط مورد پژوهش معیار پراکندگی و متراکم بودن فاصله جغرافیایی مناطق مورد توجه بوده است. به‌طوری‌که روستاهای انتخاب شده از شهرستان زهک با تراکم بیشتری در مقایسه با روستاهای شهرستان هیرمند داشته‌اند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که علاوه بر وجود یکپارچگی در گویش مورد بررسی، تنوعاتی هم موجود بوده‌اند که به‌وضوح این تنوعات در مناطق پراکنده‌تر «شهرستان هیرمند» نسبت به مناطق متراکم «شهرستان زهک» بیشتر بوده‌اند. با بررسی نقشه‌ها و متغیرهای زبانی متوجه می‌شویم که صورت‌های زبانی در مناطق بزرگتر و به خصوص مراکز دهستان‌ها و بخش‌ها که از لحاظ ارتباطی در سطح بالاتری نسبت به مناطق دیگر هستند، به سمت گونه فارسی معیار گرایش دارند. نتایج این پژوهش بر روی اطلس‌های زبانی فصل پنجم ارائه گردیده است و می‌توان تنوعات زبانی مناطق را بر روی این نقشه‌ها مشاهده کرد.

منابع

- باقری، مهری. (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران: قطره.
- برجسته دلفروز، بهروز (۱۳۷۲). واژه‌نامه ریشه‌شناسانه و تطبیقی گویش سیستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۰). آواشناسی (فونوتیک). تهران: نقش جهان.
- خسروی، فهیمه. (۱۳۸۶). «تأثیرات تنوعات اجتماعی و جغرافیایی بر گفتار گویشوران شهر زابل و روستای سکوه، بر پایه نظریه ویلیام لباو». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران.
- دوستی، محمد. (۱۳۸۰). «بررسی توصیف ساخت‌واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستانی ادیمی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- کدخدا، حسنعلی. (۱۳۸۸). بررسی توزیع ۱۸۴ متغیر زبانی در گویش سیستانی و رسم اطلس زبانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- محمدی خمک، جواد. (۱۳۷۹). واژه‌نامه سکایی (فرهنگ لغت سیستانی). تهران: سروش.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷). ساخت آوایی زبان. مشهد. انتشارات دانشگاه فردوسی.

Chambers, J.K. & Trudgil, P. (2004). *Dialectology*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University.

Mackenzie, D.N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. London: Oxford University Press.

Okati, F. (2008). *A phonological description of the sistani dialect of Miyankangi*. M.A. thesis. Zahedan: University of Sistan & Baluchestan.

Okati, Ahangar & Jahani. (2009). "The Status of [h] and [?] in Sistani Dialect of Miyankangi". *Iranian Journal of Applied language studies*, Vol1 NO.1.

Investigating the geographical distribution of vowel variations and preparing a linguistic atlas of the variables in Zahak region

Mehrdad Boushehri

Masters degree in English Language Teaching Islamic Azad University Borujerd Research Sciences Unit Iran

Sara afzal

Master of Linguistics Payam Noor Bushehr University Iran

Abstract

In the present study, the geographical spread of a number of linguistic variables of the Sistani dialect in the cities of Zahak and Hirmand in the province of Sistan and Balochistan has been investigated. According to the differences in the linguistic forms and the way the variables are distributed in the researched areas, a linguistic atlas has been drawn. In order to collect the linguistic forms of the region, free speech and interviews were conducted with fifty elderly speakers over 50 years of age. A questionnaire in accordance with the variables provided on the site of the Persian Language and Literature Academy was compiled in the form of a vocabulary list and was implemented in all twenty research points. Then, based on the differences and similarities in the distribution of the related linguistic forms in the dialects of Zahak and Hirmand regions, a separate map has been drawn for each variable. In this regard, the "GIS" software was used to draw the border line of consonance and accurately determine the domain of each linguistic form. By examining the linguistic evidence, we come to the conclusion that the processes of vowel raising and vowel falling in this dialect are among the prominent linguistic features of the region, which have a higher frequency compared to other processes. The results of the research indicate that there are many variations in the lexical variables, so that the lexical variables are used completely different from the standard type. In terms of syntax, we have not seen a significant difference in syntactic variables compared to standard persianlanguage.

Keywords: linguistic variable, linguistic atlas, homophone boundary line, geographical distribution, vowel raising